

کارگران و آلترناتیوهای امپریالیستی

نزدیک به پنج ماه است که خیزشی بزرگ و توده‌ای سراسر جامعه تحت سلطه و دیکتاتور زده ما را فرا گرفته است. مردم ستم‌دیده که اکثریت بزرگی از آنها را کارگران و بیکاران تشکیل می‌دهند از همان ابتدای خیزش خود با فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی" نشان دادند که چه نیرویی را مانع اصلی تحقق خواست‌های‌شان شناخته و خواهان سرنگونی آن می‌باشند. کارگران و ستم‌دیدگان بر اساس شرایط مادی زندگی و کار خود، نظم ظالمانه سرمایه‌داری موجود را عاملی می‌دانند که آنها را در مرداب فقر و فلاکت رها ساخته است؛ و می‌دانند که جمهوری اسلامی با توسل به هر وسیله و جنایتی از این نظم پاسداری می‌کند. با این آگاهی‌ست که کارگران ما جهت رهایی از شرایط دهشتناک کار و زندگی خود به‌پاخاسته‌اند تا بتوانند زندگی‌ای انسانی برای خود سازمان دهند، زندگی‌ای که حق نان و کار و مسکن و آزادی در آن امری تحقق یافته باشد.

جنبش سراسری اخیر توده‌های مبارز ایران و فعالیت خستگی‌ناپذیر و شجاعت و جسارت زنان و جوانان در این خیزش_که انعکاسی از شدت نفرت آنها از جمهوری اسلامی و فلاکتی است که در سراسر کشور به وجود آورده_ و همچنین تداوم پنج‌ماهه آن به رغم همه وحشی‌گری‌های نیروهای سرکوب دیکتاتوری حاکم که تا کنون چند هزار نفر را کشته و مجروح نموده و یا بازداشت کرده‌اند، طبقه حاکمه و اربابان آنها را به وحشت انداخته و به طور طبیعی شکاف‌هایی را در طبقه حاکمه سبب گردیده است تا آنجا که امروز از درون جناح‌هایی از جمهوری اسلامی خواست تغییر قانون اساسی را می‌شنویم.

از همان آغاز شاهد بودیم که چگونه دشمنان مردم ما جهت انحراف این جنبش انقلابی در گام اول تلاش کردند خواست‌های ایجابی این جنبش همچون نان و کار و مسکن و آزادی و حکومت مردمی را به حاشیه رانده و مطالبات ستم‌دیدگان جان به لب رسیده را به شعارهایی چون "زن زندگی آزادی" و یا "مرد میهن آبادی" تبدیل نمایند که طبق معمول نیروهای بینابینی و دنباله‌رو بورژوازی و افراد ناآگاه جامعه نیز از آنها تبعیت کرده و به همراه مرتجعانی همچون سخنگوی دولت رئیسی و فرح پهلوی همسر شاه جنایتکار و خاتمی ریاکار به حمایت از این شعارها برخاسته و آنها را تکرار می‌کنند. این شعارهای فاقد بار طبقاتی با توهم‌پراکنی از یک طرف موجب فریب مردم می‌گردند و از طرف دیگر جایگزینی چنین شعارهایی با شعارهای روشن طبقاتی که بیانگر خواست طبقاتی آشکار ستم‌دیدگان جامعه باشد، آنها را نسبت به فعالیت‌های خود دلسرد نموده و به کشش آنها در شرکت در این جنبش خدشه وارد می‌سازد.

گام بعدی دشمنان مردم ما در راستای رواج شعارهای مبهم و تفسیرپذیر و غیر طبقاتی، باد کردن در جثه نحیف بدیل‌های وابسته به خود و به اصطلاح آلترناتیو‌هایی است که سال‌هاست برای روز مبادا در آب نمک خوابانده شده‌اند. روشن است که قدرت‌گیری چنین بدیل‌هایی به معنای عدم دستیابی کارگران و ستم‌دیدگان به مطالبات بر حق خود می‌باشد و در این صورت فقر و گرسنگی و فلاکت آنها ادامه خواهد داشت. در حالی‌که کارگران و زحمت‌کش‌شان به‌پاخاسته‌اند تا حکومتی مردمی را جایگزین جمهوری اسلامی نمایند تا این تغییر و دگرگونی به آنها امکان دهد که به مطالبات خود دست یابند. نگاهی به برنامه‌های چنین بدیل‌هایی روشن می‌کند که آنها نه می‌خواهند به نظم ظالمانه سرمایه‌داری حاکم لطمه‌ای بزنند و نه می‌خواهند که ماشین دولتی موجود را در هم بشکنند که ارتش و نیروهای سرکوب جزو اصلی آن می‌باشد. به واقع در شرایطی که رهایی کارگران و ستم‌دیدگان به نابودی نظم ظالمانه حاکم و ارتش و سپاه پاسداران وابسته است تمامی این نوع

آلترناتیوها حتی هنوز به قدرت نرسیده کتمان نمی‌کنند که بعد از جمهوری اسلامی، نه به سلطه سرمایه‌داری حاکم دست خواهند زد و نه به ساخت ارتش ضد مردمی حافظ این سلطه!

یکی از این بدیل‌هایی که برای بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی مطرح شده سلطنت پهلوی می‌باشد. بازگشت سلطنت که رضا پهلوی فرزند شاه مزدور آنرا نمایندگی می‌کند از سوی رسانه‌های امپریالیستی و وابسته همچون "بی بی سی" و "صدای آمریکا" و "ایران اینترنشنال" و "من و تو" و غیره صبح تا شب تبلیغ می‌شود. جالب است که جدا از امپریالیست‌ها و رسانه‌های آنها در خود ایران هم بخش‌هایی از طبقه حاکمه به تبلیغ برای این طرح و فضا دادن به این شکل عقب مانده حکومتی می‌پردازند. حتی ایادی سپاه پاسداران برخی شعارهای این جماعت از قبیل "رضا شاه روح شاد" را برای ایجاد اخلاص در تظاهرات‌های مردمی فریاد می‌زنند. در این میان ولی فقیه جمهوری اسلامی هم آگاهانه از امکان‌پذیری بازگشت سلطنت سخن می‌گوید که تلاشی است جهت تضعیف خیزش توده‌ها. چرا که مردم ایران بیش از پنجاه سال شاهد حاکمیت سلطنت پهلوی و جنایات آنها بوده‌اند.

سال‌های سیاهی که رژیم سلطنتی با اعمال دیکتاتوری لجام گسیخته به استثمار و چپاول کارگران و زحمت‌کشان مشغول بود هرگز از حافظه تاریخی مردم پاک نشده است. سال‌های سیاهی که سرانجام توده‌ها با توسل به انقلاب به آن پایان دادند اما متأسفانه به دلیل فقدان رهبری انقلابی، انقلاب‌شان "ملاخور" شد و سیاهی تداوم یافت.

بنابراین تبلیغ بازگشت سلطنت چه از طرف خامنه‌ای و چه در وجهی دیگر توسط رسانه‌های ارتجاعی برون‌مرزی در خدمت دلسرد کردن و پراکنده کردن مردم ستم‌دیده از صفوف خیزش کنونی قرار دارد. این تبلیغات از جنبه دیگر در خدمت طبقه حاکمه و قدرت‌های امپریالیستی قرار دارد. آنها در صورت اجبار به تغییر جمهوری اسلامی، سلطنتی را در اختیار دارند که در تاریخ ایران بیش از ۵ دهه در جهت منافع آنها حرکت کرده است. این همان رژیم سلطنتی است که همین آخوندها را پر و بال داده و تا جایی که امکان داشت صفوف آنها را گسترش داده بود.

از طرف دیگر اگر به تبلیغات رضا پهلوی گوش کنیم و تأکیدات وی در مورد حفظ نظم و احترام به مالکان و صاحبان سرمایه و ضرورت توسل به ارتش و سپاه پس از فروپاشی جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم که این‌ها هنوز به قدرت نرسیده برای حفظ و تقویت سروری ارتش و سپاه و حفظ قدرت سرمایه‌داران سینه می‌زنند، آن‌گاه می‌توانیم تصور کنیم که اگر روزی قدرت‌های امپریالیستی آنها را به قدرت برسانند، چه دماری از روزگار مردم ما در خواهند آورد و چه دیکتاتوری سیاه وحشتناکی را بر آسمان ایران خواهند گسترده!

کارگران و زحمت‌کشان ما هرگز نباید این نکته را فراموش بکنند که نظم اقتصادی حاکم بر کشور ما سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم می‌باشد و امپریالیسم هم همانا سرمایه‌داری انحصاری جهانی است. بنابراین، نظم حاکم با استثمار کارگران و غارت ستم‌دیدگان و پیشبرد سیاست‌های قدرت‌های بزرگ امپریالیستی امکان حیات دارد. در چهارچوب این نظم شدیداً ضد خلقی است که دولت‌های جمهوری اسلامی همچون زمان سلطنت شاه در تمامی این سال‌ها منابع کشور را صرف پیشبرد سیاست‌های اربابان خود نموده‌اند و تا جایی که توانسته‌اند رهنمودهای نهادهای امپریالیستی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را عملی نموده‌اند، سیاست‌هایی که نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت کارگران و رنجبران در بر نداشته است. در صورت بازگشت سلطنت به ایران این روند حتی در ابعادی وحشتناک‌تر برای مردم ادامه خواهد یافت. همه این واقعیات نشان می‌دهند که آزادی کارگران و ستم‌دیدگان وابسته است به رهایی از اسارت طبقه حاکم در ایران و تا زمانی که این طبقه یعنی سرمایه‌داران وابسته در قدرت باشد کارگران و زحمت‌کشان هم آزاد نخواهند بود.

چریک‌های فدایی خلق همواره گفته‌اند که هر نیرویی که در خط امپریالیست‌ها حرکت کند و بخواهد به کمک آنها به قدرت برسد امکان ندارد که قادر باشد برای توده‌های ستم‌دیده ما آزادی و دمکراسی به ارمغان بیاورد.

ما همین امروز شاهد تبلیغات و برخوردهای عملی سلطنت‌طلبان هستیم که آشکارا و به طور شدید علیه نیروهای آزادی‌خواه در خارج از کشور اقدام می‌کنند. آنها هنوز به قدرت نرسیده از کشتار کمونیست‌ها که نیروهای آزادی‌خواه واقعی می‌باشند سخن می‌گویند و مرگ ارتجاع سرخ و سیاه را تبلیغ می‌کنند. در همین چند ماهه حملات آنها به تظاهرات کمونیست‌ها در کشورهای مختلف در معرض دید بسیاری بوده است. آنها بی‌شرمی را به آنجا رساندند که علیه کمونیست‌ها شعار دادند "مرگ بر سه فاسد ملا چپی مجاهد". یا در لندن در پشت بلندگو خطاب به کمونیست‌ها فریاد زدند: خودمان می‌کشیم‌تان. روشن است که با قدرت‌گیری کسانی که هنوز به قدرت نرسیده حکم مرگ نیروهای آزادی‌خواه جامعه را صادر می‌کنند، کشور ما هرگز به آزادی و دموکراسی دست نخواهد یافت.

به همین دلیل هم هست که چریک‌های فدایی خلق همواره گفته‌اند که هر نیرویی که در خط امپریالیست‌ها حرکت کند و بخواهد به کمک آنها به قدرت برسد امکان ندارد که قادر باشد برای توده‌های ستم‌دیده ما آزادی و دموکراسی به ارمغان بیاورد. همین واقعیت سبب شده که تحقق مطالبات توده‌ها همچون نان، کار، مسکن و آزادی به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به دست کارگران و ستم‌دیدگان و قدرت‌گیری توده‌ها وابسته گردد.

واقعیت این است که آلترناتیوهای امپریالیستی دردی از دردهای بی‌شمار توده‌ها را بر طرف نساخته و به هیچ‌وجه در جهت منافع کارگران و ستم‌دیدگان قرار ندارند. به همین دلیل هم کارگران باید با هر شکلی از بدیل‌های امپریالیستی مخالفت کرده و برای قدرت‌گیری طبقه خود گام بردارند. تحقق مطالبات توده‌ها همچون نان، کار، مسکن و آزادی به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به دست کارگران و ستم‌دیدگان و قدرت‌گیری توده‌ها وابسته می‌باشد. تجربه ثابت کرده است که آزادی طبقه کارگر فقط به دست خود وی امکان‌پذیر می‌باشد.

پس تا کارگران به‌پانخیزند و خود را به عنوان یک طبقه آگاه و مسلط به ایدئولوژی طبقاتی خود شناسانند، به آزادی که در شرایط ما معنایی جز رهایی از اسارت بورژوازی وابسته نیست، دست نخواهند یافت و البته این امر مهم در جریان رشد و اعتلای مبارزه مسلحانه علیه رژیم حاکم، امکان تحقق دارد.

پایان